

نقدی بر "معنای واقعی سندیکا..."

یا "جوابیه آقای رضارخشان به محسن حکیمی"

رضا رخشان

پنجشنبه نوزدهم دی ۱۳۸۷

توضیحی هر چند کوتاه درمورد نوشته رضا رخشان

نوشته زیر "جوابیه آقای رضارخشان به محسن حکیمی" از طریق یکی از "فعالین کارگری" در خارج از کشور در تاریخ ۲۵ دسامبر برای سایت افق روشن ارسال و دریافت شد. از آنجا که این نوشته در واقع "نقدی" بر "معنای واقعی سندیکا از زبان سندیکاسازان" بود. مطلبی که با امضای "کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری" در تاریخ ۲ دی ماه در سایت کمیته هماهنگی درج شده بود و مسئله مهمتر اینکه، محسن حکیمی در شب دوم دی دستگیر و در تاریخ ارسال نوشته رضا رخشان برای درج در سایت زیربازجویی قرار داشت. نکته دیگر اینکه در جایی از نوشته به جای "کمیته هماهنگی..." کمیته پیگیری نوشته شده است. مسئول سایت افق روشن خود را مؤظف دانست که این نکات را قبل از درج مقاله از طریق ارسال کننده با رضا رخشان در میان بگذارد. ناگفته نماند که همین مطلب از طریق یکی دیگر از "فعالین کارگری" در تاریخ ۲۶ دسامبر برای افق روشن جهت انتشار ارسال گردید. آقای رضارخشان هم در تاریخ ۲۸ دسامبر با "تکمیل" کردن عنوان مقاله "جوابیه آقای رضارخشان به آقای محسن حکیمی و کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکلهای کارگری" نوشته را مجدداً برای انتشار ارسال داشتند. منتهی مسئول سایت افق روشن انتشار مقاله را با این شکل و شمائل در شرایط ذکر شده مناسب ندانست. در همان ۲۸ دسامبر ایمیل دیگری از آقای رضارخشان دریافت شد که بدین قرار است:

"دوست عزیز با تغییرات شما موافقم آنجایی که گفته ام محسن حکیمی تغییر داده شود به کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل و کمیته پیگیری اشتباه بوده است منظور همان کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل می باشد کلمه آقام قبل از نام خود برداشته شود روی هم رفته با تمام پیشنهادهای شما برای تغییر موافقم خودتان تصحیح فرمایید باسپاس از شما" پاسخ مسئول سایت کارگری افق روشن به ایمیل رضا رخشان هم چنین بود:

سلام!

خسته نباشی.

دوست عزیز آقای رضا رخشان دیگر "کار از کار گذشته" آبی که ریخته شد جمع کردنش کارمشکلی است. نوشته شما در سایت های اینترنتی درج شده است و درج نسخه تصحیح شده آن از طرف افق روشن دردی را دوا نمی کند. در ضمن افق روشن هیچگاه به خود اجازه نمی دهد که مطالب دریافتی را تصحیح و یا تغییر دهد. این در واقع وظیفه و مسئولیت خود نویسنده است که در صورت پی بردن به اشکالات نوشته، آنرا تصحیح و تدقیق نماید. نکاتی که به عنوان ملاحظه در مورد مقاله شما مطرح و برایتان ارسال شد، اولاً به منظور دقیق شدن نوشته بود.

دوماً به دلیل توجه به موقعیت و شرایط ویژه محسن زیر بازجویی نیروهای امنیتی می باشد. نوشته شما دقیق نبود و نیست به این دلیل که شما به نوشته انتقاد کردید که عنوان و یا تیتراژ چنین است "معنای واقعی سندیکا از زبان سندیکاسازان" با امضاء " کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری".

این چه ارتباطی به حکیمی دارد. مثل اینکه نوشته شما "رضا رخشان" را به سندیکای کارگران هفت تپه و یا برعکس فلان مطلبی که امضاء سندیکای هفت تپه زیر آن است به شما نسبت داد.

مسئله مهمتر اینکه محسن حکیمی را شب دوشنبه در خانه بیژن امیری بدون هیچ "دلیلی" دستگیر می کنند. طبق گفته همسرو وکیلش این هفته زیر بازجویی نیروهای امنیتی و اطلاعات است. آیا سزاوار است که "جرایم مشخصی مثل تصرف کارخانه به وسیله کارگران و ..." یا مسائلی از این قبیل را به سئوالات و بازجویی های این فعال کارگری به طور مشخص اضافه کنیم.

سایت افق روشن یک رسانه متعهد و مسئول است. درحین درج نظرات کاملاً متفاوت و متضاد جان و زندگی انسانها، کارگران و فعالین کارگری برایش اهمیت اساسی دارد. به همین دلیل موقتاً از درج این "مطلب" معذور است. اما درآینده نزدیک، بعد از روشن شدن وضعیت حکیمی نوشته شما با همین شکل و شمائل درکنار نوشته کمیته هماهنگی درج خواهد شد. حال این شما هستید که در مورد نوشته تان تصمیم می گیرید. در صورتی که فکر می کنید، نوشته تان کم و کاست و یا ایرادی دارد، کمر همت به تصحیح و تدقیق آن ببندید.

با آرزوی موفقیت- دستتان را صمیمانه می فشارم

مسئول سایت کارگری افق روشن

۲۸-۱۲-۲۰۰۸

حال با توجه به روشن شدن وضعیت فعالین کارگری دستگیر شده و همچنین درج مطلبی در این زمینه در سایت کمیته هماهنگی " کارنامه چند ساله سندیکالیسم ایرانی ..." وقت آن رسیده که نوشته انتقادی آقای رضا رخشان هم با آن شکل و شمائل اولیه از طرف سایت کارگری افق روشن انتشار یابد.

ارسال رونوشت برای:

رضا رخشان

"فعال کارگری"

"فعال کارگری"

کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری

مسئول سایت افق روشن

۰۹-۰۱-۲۰۰۹

جوابیه آقای رضارخشان به محسن حکیمی

چند روز پیش با ایلنا مصاحبه ای در مورد سندیکای نیشکر هفت تپه نمودم که مورد دلخوری و نکوهش بعضی از دوستان واقع شدم. موردی که به ایلنا گفته بودم که متأسفانه به شکل نا صحیحی سو برداشت، شده بود. سندیکای نیشکر هفت تپه بدنبال یک سری تلاشهای درخشان کارگران هفت تپه در بدست آوردن حقوق صنفی خود، به وجود آمد. جنبشی که بدنبال چالشهای اقتصادی در شرکت شکل گرفته بود. از این رو، جنبش کارگران هفت تپه بدرستی نماد کوشش کارگر ایرانی در راستای استیفای حقوق قانونی و صنفی خود بشمامیرود. تشکلی که نیروی پراکنده کارگر را بصورت متحد، متمرکز و هماهنگ درآورد. و در این مصاحبه با ذکر این نکته که، از آغاز به کار سندیکا در این دو ماهه، حدود هفتاد هزار تومان به حقوق کارگران هفت تپه افزوده گشته است. یک چیز دیگر اینکه، بدنبال تشکیل سندیکا در دو ماه پیش تا اکنون، یک نوع هماهنگی و انسجامی در روند فعالیت و حرکت کارگران شکل گرفت که اگر احیاناً در گذشته تکرویها و ناهماهنگی هایی بین کارگران از نظر تاکتیک حرکت و جنبش وجود داشت اما اکنون سندیکا، تکنیک و روش حرکت را با درک شرایط موجود تعیین میکند. و اگر قرار باشد اعتصابی رخ دهد، سندیکا با در نظر گرفتن بهترین شرایط از نظر زمان و موقعیت به آن اقدام خواهد نمود. چون که اولویت کارگر هفت تپه از آغاز مبارزاتش، ابتدا حفظ مجموعه تولیدی بوده است و خواسته های صنفی کارگران در عرض این هدف بوده است. برای کارگر هفت تپه بسیار مهم است که در بستر وجود شرکت، به مطالبات و خواسته های صنفی خود دست پیدا کند. از این رو سندیکا در دوجبهه مشغول بکار است. جبهه اول، برخورد، راهنمایی و مشورت بامدیریت (با در نظر گرفتن دولتی بودن کارخانه) برای احیا و نجات شرکت از این وضعیت بگرنج صورت می گیرد. سندیکا نقطه نظرات کارگران را در اداره هر چه بهتر کارخانه را به مدیریت منتقل میکند. تا همین چندی پیش نظر و نقش کارگر هفت تپه در مدیریت و تصمیم گیریهای کلان شرکت، هیچ انگاشته می شد. اما امروزه با این همه تلاش و مبارزه کارگر هفت تپه هم نسبت به مطالبات خود مصر است و هم بدلیل بیمناسبتی از آینده شرکت، نسبت به عملکرد مدیران خود حساس میباشد. و از طریق پرسش گری و نظارت، همه مسئولان شرکت را نسبت به عملکردشان پاسخگو کرده است. امروز کارگر هفت تپه، علاوه بر مطالبات صنفی خود بدنبال دفاع از کيان شرکت میباشد. مثال آنرا می توان در معدنی که در حومه شرکت قرار دارد اما شرکت نسبت به آن تسلط ندارد، این مسئله بصورت جدی از طرف کارگران پیگیری میشود.

اماسخنی با شما آقای محسن حکیمی، اولاً قصد نداشتم جواب نقد سخیف شما را که هم از جنبه عقلی به سفسطه می ماند و هم از لحاظ واقعی و عملی، غیر واقع است بدهم. اما با مشاهده سایت کمیته پیگیری برای کمک به ایجاد تشکل (منطقه تهران) نظرم تغییر یافت. آنجایی که با جمع آوری امضاخواهان کن لم یکن شدن فعالیت های سندیکاشده آید، بنظرم بسیار توهین آمیز آمد. لازم دیدم چند سطری در مورد آن بنویسم. نمی دانم که مغرضانه و یا از روی عمد سعی بر آن دارید که دستاوردهای سندیکاران نادیده گرفته، و باشدیدترین الفاظ آنرا بکوبید. که کاملاً بی انصافی است. در همین نوشتاری که در سایت افق روشن منشر کرده آید در کمال بی رحمی عنوان نمودید که تشکیل سندیکا هیچ مشکلی را حتی سر سوزنی به نفع هیچ کارگری تغییر نداده است. این در حالیست که در همین مدت کم فعالیت سندیکا حدود ۷۰ هزار تومان به حقوق کارگران افزوده شده است. سندیکای نیشکر هفت تپه مشکلات تمامی کارگران تولید قند و شکر ایران، منجمله

واردات بی رویه شکر، پایین بودن تعرفه گمرکی و فرسوده بودن صنایع تولید شکر را در داخل کشور منعکس کرده است. به گفته آقای شفیع مدیر عامل شرکت، تنها کارخانه تولید شکر در کشور که آنهم بدلیل تلاشهای پیگیر کارگران منجمله اعتصابات و... تعمین اعتبار شده است، کشت و صنعت نیشکر هفت تپه می باشد. ضمن اینکه ما بدنبال دیگر خواسته های کارگران، اعم از بالا بردن ضریب ریالی، مشاغل بندی و قانون مند کردن و آگذاری منازل سازمانی بوده ایم که در مورد آخری به پیشرفتهایی هم رسیده ایم. اما فراموش نکنید که این تازه آغاز راه است. واقعیت آنستکه طفلی بنام سندیکا بدنیا آمده است که نیاز به مراقبت و نگهداری از سوی تمامی کارگران دارد. و این طفل سرانجام بر ناخواهد شد. آقای حکیمی، فراموش مکن که اعتصاب هدف نیست. بلکه یکی از وسایلی است که کارگران برای نیل به خواسته های صنفی خود، دست به آن میزنند. که مدت، تاریخ، اندازه و چگونگی آنرا سندیکات تعیین میکند. ما از پیوستن به اتحادیه IUF که ما را در نهایت به ILO متصل میکند، استقبال میکنیم که باعث بالا رفتن اتحاد کارگران می گردد. شاید سه جانبه گرایی آرمان تک تک کارگران نباشد اما میخواهیم از ظرفیتهای واقعی آن که تاکنون از آن بی بهره بوده ایم، استفاده نماییم. با این حال، نگاه مابه درون است. نگاه ما به کارگران هفت تپه است که به خواسته هایشان دست پیدا کنند. نه از تشویق دیگران زیاد خریدند میثوبیم و نه از اخم و غضب آنها دلسرد می گردیم.

آقای حکیمی سندیکا نتیجه اراده و خواست کارگران هفت تپه است. شما چگونه بخود اجازه میدهید که این خواست صنفی کارگران رانفی کنید. کما اینکه، همین کارگران برای بدست آوردن این حق، چه کوششها و مرارت هایی که متحمل نشده اند. و اکنون چه در برابر تضييع کننده های حق خویش و چه در برابرنا دوستانی همچون شما مقاومت می نمایند. اما نسخه شما چیست؟ کارگران با تصرف کارخانه ها و با ایجاد شورای کارگری زمام امور را بدست خویش، گیرند. آیا در شرایط حاضر این فکر عملی است؟ آیا بهانه را جهت سرکوب کارگران فراهم نمی آورد؟ آیا این انداختن کارگران در دام ایدئولوژیک نیست؟ آیا پذیرفتنی است به خاطر یک ایده و خیال، سندیکا که واقعیت و خواست کارگران امروز است رانفی کرد؟ آیا این تحمیل اندیشه کمونیستی شما بر عموم کارگران نیست؟

مشکل شما اینست که بر اساس معیارها و ایدئولوژی جزم گرای خود، در مورد جنبش کارگری قضاوت می کنید. و هنوز در خیال یک ایده مانده اید. من کارگر این چنین نمی خواهم. من بدنبال نابود کردن و حذف سرمایه دار نیستم. من بدنبال تسخیر جایی، براندازی و... نیستم. من جستجوگر حقوق پایمال شده خویشم. من با ایجاد تشکل مستقل و قدرتمند، حق خویش را می ستانم.

رضا رخشان

۴ دیماه ۱۳۸۷